



مرکز بین‌المللی دانش و دبیرستان
باف‌العلیوم

به نام خدا

امتحان درس : نگارش

نام و نام خانوادگی :

وقت امتحان : ۷۵ : کد : ۲۵۱-۹۶۱۰۱۷

رشته : انسانی

کلاس : دهم

دانش آموز عزیز شما می‌توانید پاسخنامه امتحان را دو ساعت پس از پایان امتحان در پورتال مدرسه ملاحظه نمایید.

www.bagheralolum.sch.ir

۱- با توجه به متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید. (۳ نمره)

۱. "فصل خزان در نزد کائنات مظهر غم و اندوه بوده و حتی شاعران نیز برای نمایش اندوه در اشعار خود از نام پاییز بهره‌ها جسته‌اند؛ با این حال، این فصل، پادشاه فصل‌هاست. فصل ریزش نعمت‌های آسمانی، همان قطرات ریز باران، است که صورت گرمادیده و آفتاب‌سوخته زمین را که سه ماه آزرگار تابستان بر آن تاخته است، می‌شوید. نمایان شدن قوس قزح پس از باران نیز جلوه‌ای دیگر از جمال این فصل است. کلمه برگ-ریزان تنها مختص پاییز است؛ بدین معنا که در این سه ماه درختان خود را می‌تکانند و برگ‌های زرد و سرخ خود را رها کرده و بر دامان زمین به امانت می‌گذارند و شاخه‌های خشکشان نیز چندین ماه برهنه‌وار منتظر می‌مانند تا در بهاری دیگر الماس‌های آسمانی بر شاخه‌هایشان به میهمانی آیند.
۲. این فصل را با نام خش‌خش نیز می‌شناسیم. همان گونه که پا بر روی خاک‌های ترک‌برداشته قدم می‌گذارد و آهنگ زیبا می‌سازد، صدای خش‌خش برگ‌ها نیز همین احساس را در دل ما ایجاد می‌کند. این صدا پس از شنیدن به ماورای درون ما می‌رود و روح ما را تا آسمان‌ها بالا می‌کشد. پاییز را می‌توان فصل مهاجرت نیز خواند؛ بدین معنا که پرندگان در این فصل از کاشانه خود رهایی جسته و در کرانه‌های آسمان به جست‌وخیز می‌پردازند تا لانه‌ای مناسب پیدا کنند. تماشای حرکات پرندگان در آسمان پاییز احساسی وصف‌ناشدنی در دل ایجاد می‌نماید.
۳. در فصل پاییز کشاورزان زمین‌ها را شخم زده و در آن محصولاتی مانند گندم و جو می‌کارند. در این ایام روزها کوتاه‌تر و شب‌ها طولانی‌تر می‌گردد که اوج این نابرابری را در شب یلدا می‌بینیم.
۴. پاییز مقارن با باز شدن دوباره مدارس و دانشگاه‌ها نیز هست. تمام دانش‌آموزان و دانشجویان به میهمانی سه فرزند پاییز، یعنی مهر و آبان و آذر، دعوت می‌شوند و پس از چندی استراحت تابستانه، تلاش و مطالعه را از سر می‌گیرند.
۵. هرچه هست، پاییز در مقابل این همه زیبایی که در اختیار ما می‌گذارد از ما چیزی نمی‌خواهد، جز این که به تفکر بنشینیم و به خدا نزدیک‌تر شویم. گمان می‌کنم پاییز زیر لب برایمان چنین دعا می‌کند که برگ‌های غم در دل‌هایمان هرچه زودتر بریزند و درخت وجودمان هرچه زودتر بهاری گردد.

- شماره بندهای بدنه را مشخص کنید.

- منظور از "الماس‌های آسمانی" چیست؟

- کدام بند در حکم مقدمه است؟

- منظور از فرزندان پاییز چیست؟

- از کدام فصل در این نوشته رد پای نیست؟

- شماره بند نتیجه‌گیری را بنویسید.



۲- تصور کنید آینه را برداشته‌اید و برای اولین بار با دقت به صورت خود نگاه می‌کنید. آنچه را که در آینه می‌بینید، در یک بند پنج خطی توصیف کنید. (۳ نمره)

۳- در متن زیر هشت غلط املائی وجود دارد. آن‌ها را بیابید و اصلاح کنید. (۴ نمره)

"هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد و اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد و اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن. بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی. پیران قبیله خویش را حرمت دار، ولیکن به ایشان مولع مباش."

"یکی از خروسان ظربتی سخت بر دیده حریف نواخت، به صدمتی که جهان تیره شد پیش آن نامدار. لاجرم سپر بینداخت و از میدان بگریخت. لیکن خروس قالب حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان. بر حریف که تسلیم اختیار کرده، مخزول و نالان استرحام می‌کرد، رحم نیاورد و آن چنان او را می‌کوفت که پولاد کوبند آهنگران."

"خدای تبارک و تعالی همه بندگان خود را از عذاب غرض و دین فرج دهد، به حق الحق و اهله، و چون بخاستیم رفت، ما را به انعام و اکرام به راه دریا گسیل کرد، چنان که در کرامت و فراق به پارس رسیدیم."

"دست معلم از وقب حیوان روان شد. لب را به اشاره صورت داد. فک زیرین را پیمود و در آخره ماند. از یال و قارب به زیر آمد. از خم کتف و سینه فرا رفت و دو دست را تا فراز کله نمایان ساخت. معلم بالأخره از مخمضه رست."

"این قصه عجب‌ترین قصه‌هاست؛ زیرا که در میان دو ضد جمع بود: هم فرقت بود هم وصلت، هم مهنت بود هم شادی. هم راحت بود هم آفت. به اول بیم و هلاک بود و به آخر عز و ملک بود."

۴- به کمک روش بارش فکری، چهار واژه برای "عید نوروز" بنویسید. (۱ نمره)

۵- یک گزین گفته برای "کم حرفی" و یک گزین گفته برای "خداوند" بنویسید. (۱ نمره)

۶- با توجه به ضرب‌المثل "به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می‌آید." یک داستان کوتاه بین پنج تا ده خط از خودتان بنویسید. (۳ نمره)

۷- نوشته زیر را بخوانید و سپس یکی از چهار عنوان پیشنهادی را به عنوان نام آن برگزینید. (۱ نمره)

"شیخ یک بار به طوس رسید. مردمان از شیخ استدعای مجلس کردند. اجابت کرد.

بامداد در خانقاه تخت بنهادند. مردم می‌آمدند و می‌نشستند.

چون شیخ بیرون آمد، مقربان قرآن برخواندند و مردم بسیار درآمدند؛ چنانکه هیچ جای نبود.

معرف بر پای خاست و گفت: خدایش پیام‌رزا که هرکسی از آنجا که هست، یک گام فراتر آید.

شیخ گفت: و صلی الله علی محمد و آله اجمعین. دست به روی فرو آورد و گفت: هرچه ما خواستیم گفت و همه پیغمبران بگفته‌اند، او بگفت که از آنچه هستید، یک قدم فراتر آید.

کلمه‌ای نگفت و از تخت فروآمد و بر این ختم کرد مجلس را."

آ) تواضع، راه و روش مردان خدا ب) یک گام فراتر پ) فرار از شیطان ت) منبر غرور

۸- تصور شما از شیطان چگونه است؟ او را به چه شکلی تصور می‌کنید؟ چه حرف‌هایی به شما می‌زند؟ شما به او چه می‌گویید؟ پوشش و لحنش چگونه است؟ با توجه به این قبیل سؤالات و هر موضوع مرتبط دیگر، در چهار بند، شیطان را از دیدگاه خود وصف کنید. (۴ نمره)

۱- با توجه به متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید. (۳ نمره)

۱. "فصل خزان در نزد گائئات مظهر قم و آندوه بوده و حتی شاعران نیز برای نمایش آندوه در اشعار خود از نام پاییز بهره‌ها جسته‌اند؛ با این حال، این فصل، پادشاه فصل‌هاست. فصل ریزش نعمت‌های آسمانی. همان قطرات ریز باران، است که صورت گرم‌بادینه و آفتاب‌سوخته زمین را که سه ماه آزرگار تابستان بر آن ناخسته است، می‌شوید. نمایان شدن قوس قزح پس از باران نیز جلوه‌ای دیگر از جمال این فصل است. کلمه برگ‌ریزان تنها مختص پاییز است؛ بدین معنا که در این سه ماه درختان خود را می‌تکانند و برگ‌های زرد و سرخ خود را رها کرده و بر دامان زمین به امانت می‌گذارند و شاخه‌های خشکشان نیز چندین ماه برهنه‌وار منتظر می‌مانند تا در بهاری دیگر الماس‌های آسمانی بر شاخه‌هایشان به میهمانی آیند.
۲. این فصل را با نام خش‌خش نیز می‌شناسیم. همان گونه که پا بر روی خاک‌های ترک‌برداشته قدم می‌گذارد و آهنگ زیبا می‌سازد، صدای خش‌خش برگ‌ها نیز همین احساس را در دل ما ایجاد می‌کند. این صدا پس از شنیدن به ماورای درون ما می‌رود و روح ما را تا آسمان‌ها بالا می‌کشد. پاییز را می‌توان فصل مهاجرت نیز خواند؛ بدین معنا که پرندگان در این فصل از کاشانه خود رهایی جسته و در کرانه‌های آسمان به جست‌وجوی می‌پردازند تا لانه‌ای مناسب پیدا کنند. تماشای حرکات پرندگان در آسمان پاییز احساسی وصف‌ناشدنی در دل ایجاد می‌نماید.
۳. در فصل پاییز کشاورزان زمین‌ها را شخم زده و در آن محصولاتی مانند گندم و جو می‌کارند. در این ایام روزها کوتاه‌تر و شب‌ها طولانی‌تر می‌گردد که اوج این نابرابری را در شب یلدا می‌بینیم.
۴. پاییز مقارن با باز شدن دوباره مدارس و دانشگاه‌ها نیز هست. تمام دانش‌آموزان و دانشجویان به میهمانی سه فرزند پاییز، یعنی مهر و آبان و آذر، دعوت می‌شوند و پس از چندی استراحت تابستانه، تلاش و مطالعه را از سر می‌گیرند.
۵. هرچه هست، پاییز در مقابل این همه زیبایی که در اختیار ما می‌گذارد از ما چیزی نمی‌خواهد، جز این که به تفکر بنشینیم و به خدا نزدیک‌تر شویم. گمان می‌کنم پاییز زیر لب برایمان چنین دعا می‌کند که برگ‌های قم در دل‌هایمان هرچه زودتر بریزند و درخت وجودمان هرچه زودتر بهاری گردد."

- شماره بندهای بدنه را مشخص کنید. ۲، ۳، ۴

- منظور از "الماس‌های آسمانی" چیست؟ **مشکوفه‌ها**

- کدام بند در حکم مقدمه است؟ **۱**

- منظور از فرزندان پاییز چیست؟ **سه‌های پاییز (مهر، آبان و آذر)**

- از کدام فصل در این نوشته رد پایی نیست؟ **زمستان**

- شماره بند نتیجه‌گیری را بنویسید. **۵**

۲- تصور کنید آینه را برداشته‌اید و برای اولین بار با دقت به صورت خود نگاه می‌کنید. آنچه را که در آینه می‌بینید، در یک بند پنج‌خطی توصیف کنید. (۳ نمره)

۳- در متن زیر هشت غلط املایی وجود دارد. آن‌ها را بیابید و اصلاح کنید. (۴ نمره)

"هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد و اگر غم و شادیت بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد و اثر غم و شادی پیش مردمان بر خود پیدا مکن. بدان گوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی. پیران قبیله خویش را حرمت دار، ولیکن به ایشان مویع مباش."

"یکی از خروسان ظریفی سخت بر دیده حریف نواخت. به صدمتی که جهان تیره شد پیش آن نامدار. لاجرم سیر بیتداخت و از میدان بگریخت. لیکن خروس قالب حرکتی کرد نه مناسب حال درویشان. بر حریف که تسلیم اختیار کرده، مخزول و تالان استرحام می‌کرد. رحم نیاورد و آن چنان او را می‌گوفت که پولاد کوبند آهنگران."

"خدای تبارک و تعالی همه بندگان خود را از عذاب غرض و دین فرج دهد، به حق الحق و اهله، و چون بخواستیم رفت، ما را به انعام و اگرام به راه دریا گسیل کرد، چنان که در کرامت و قراق که پارس رسیدیم."

"دست معلم از عقب حیوان روان شد. لب را به اشاره صورت داد. فک زیرین را پیمود و در آخره ماند. از بال و قارب به زیر آمد. از خم گنل و سینه فرا رفت و دو دست را تا فراز گله نمایان ساخت. معلم بالاخره از بخصه رست."

"این قصه عجب‌ترین قصه‌هاست؛ زیرا که در میان دو تند جمع بود؛ هم فرقت بود هم وصلت. هم مهنه بود هم شادی. هم راحت بود هم آفت. به اول بیم و هلاک بود و به آخر عز و ملک بود."

۴- به کمک روش بارش فکری، چهار واژه برای "هید نوروز" بنویسید. (۱ نمره)

اول فروردین، عیدری، سال نو، تیرگ، صصانی، سفر، صفت مسین و ...

۵- یک گزین گفته برای "کم حرفی" و یک گزین گفته برای "خداوند" بنویسید. (۱ نمره)

کم حرفی: کم گوی و گریبه گوی چون در... خداوند: به نام خداوند جان اخرف

۶- با توجه به ضرب‌المثل "به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می‌آید." یک داستان کوتاه بین پنج تا ده خط از خودتان بنویسید. (۳ نمره)

